

## دکتر تیبریوس راتا، عزرا-نحمیا، جلسه ۳، عزرا ۵-۶

تیبریوس راتا و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر تیبریوس راتا و آموزه‌های او در مورد عزرا و نحمیا است. این جلسه ۳، عزرا ۵-۶ است.

بیاید دوباره کتاب مقدس خود را به فصل پنجم عزرا باز کنیم. به یاد دارید که فصل چهارم با مخالفت با بازسازی معبد به پایان رسید و این موفقیت آمیز بود. آنها به مدت ۱۶ سال موفق بودند. بنابراین، پس از ۱۶ سال بازسازی، کار متوقف شد و سپس پروژه از سر گرفته شد.

بازسازی به چالش کشیده خواهد شد و دوباره خواهیم دید که بازسازی انجام خواهد شد. بنابراین، آیات اول فصل پنجم درباره پیامبران حجی و زکریا پسر عدو صحبت می‌کند که برای یهودیانی که در یهودا و اورشلیم بودند، به نام خدای اسرائیل که بر آنها بود، نبوت کردند. سپس زروبابل پسر شالتیئیل و یسوع پسر یوصداق برخاستند و شروع به بازسازی خانه خدا که در اورشلیم است کردند و پیامبران خدا با آنها بودند و از آنها حمایت می‌کردند.

بنابراین، دوباره، پس از ۱۶ سال بازسازی، کار متوقف شده است، اما کلام خداوند است که روند کار را آغاز می‌کند. باز هم، مقام نبوت در طول تبعید بابلی از بین نرفت و پیامبران منقرض نشدند. به یاد داشته باشید، پیامبران واسطه بین خدا و مردم بودند و کتاب مقدس در اینجا درباره حجی و زکریا به ما می‌گوید.

ما اینها را پیامبران پس از تبعید می‌نامیم. شما پیامبران پیش از تبعید، پیامبران تبعید و پیامبران پس از تبعید دارید و حجی و زکریا پیامبران پس از تبعید هستند و هر دو در مورد لزوم بازسازی می‌نویسند و حجی بر بازسازی معبد تمرکز دارد در حالی که زکریا بر حاکمیت خدا تمرکز دارد. حجی و زکریا هر دو به نام خدای اسرائیل و اینکه چه کسی بر آنها مسلط بوده است صحبت می‌کنند و دوباره در مورد حاکمیت خدا صحبت می‌کنند.

خدا همه چیز را تحت کنترل دارد و زروبابل که به عنوان یکی از فرمانداران یهودا شناخته می‌شود، نقش مهمی در رهبری آنها به همراه عزرا و نحمیا ایفا می‌کند. می‌بینیم که در حجی ۱.۱ برخی افراد تصور می‌کنند که زروبابل دیگر به این دلیل ذکر نشده است که یا از مقام خود برکنار شده یا فوت کرده است، اما باز هم نمی‌دانیم چرا. اما می‌دانیم که تحت رهبری او ساخت معبد از سر گرفته شده است، اما باز هم همه خوشحال نیستند.

بازسازی دوباره به چالش کشیده می‌شود، که از آیه ۳ شروع می‌شود. در همان زمان، تتنای، والی استان ماوراء النهر، و شَربوزنای و همکارانش نزد آنها آمدند و با آنها چنین گفتند: «چه کسی به شما فرمان داده است که این خانه را بسازید و سازه را تمام کنید؟» «آنها همچنین از آنها پرسیدند:» نام مردانی که این بنا را می‌سازند چیست؟ «اما چشم خدای آنها به بزرگان یهود بود و آنها تا زمانی که گزارش به داریوش نرسد و سپس پاسخی در مورد آن از طریق نامه ارسال نشود، متوقف نشدند.

بنابراین تتنای به عنوان والی رودخانه در آن سوی رودخانه ظاهر می‌شود. سندی وجود دارد، یک سند بابلی که به ۵ ژوئن ۵۰۲ قبل از میلاد برمی‌گردد که در آن نام تت و من در واقع ظاهر می‌شود.

او نماینده امپراتوری پارس است و باز هم، او می‌خواست مانند اسلاف خود مطمئن شود که این یهودیان علیه پادشاه شورش نمی‌کنند، اما برخلاف دفعات قبل، کار متوقف نمی‌شود. یهودیان با وجود مخالفت، به کار خود ادامه می‌دهند و باز هم، این عبارت زیبا است. چشم خدای آنها به بزرگان یهود بود.

باز هم، این یک استعاره است وقتی چیزی زیر نظر خداست، به این معنی که خدا مراقب آن است. خدا کنترل را در دست دارد. خدا به مردم موفقیت می‌دهد.

خداوند به مردم محافظت و عنایت می‌کند. بنابراین، یهودیان حتی با وجود مخالفت‌ها هم دست از کار نمی‌کشند. بنابراین، بازسازی دوباره به پادشاه برمی‌گردد.

، باز هم، نامه‌ای هست که برای پادشاه فرستاده شده، در این مورد داریوش». این رونوشت نامه‌ای است که تتنای والی ماوراء النهر و شتریزونای و همکارانش، والیانی که در ماوراء النهر بودند، برای داریوش پادشاه فرستادند، درود بر همه. پادشاه را معلوم باد که ما به ولایت یهودا، به خانه خدای بزرگ رفتیم.

این خانه با سنگ‌های بزرگ ساخته می‌شود و چوب در دیوارها قرار داده شده است. این کار با دقت و کوشش انجام می‌شود و به دست آنها به خوبی پیش می‌رود. سپس از آن بزرگان و کسانی که با آنها بودند پرسیدیم و به آنها چنین گفتیم: «چه کسی به شما فرمان داده است که این خانه را بسازید و سازه را تمام کنید؟» ما همچنین نام‌های آنها را برای اطلاع شما پرسیدیم تا نام رهبران آنها را بنویسیم.

بنابراین، تتنای و دیگر مقامات، کسانی بودند که برخی از محققان آنها را حل‌کننده‌های مشکلات امپراتوری می‌نامند که مجهز به قدرت مجازات بودند. به یاد داشته باشید، هر زمان که کتاب «فراسوی رودخانه» را می‌خوانید، در مورد فراسوی رودخانه فرات «صحبت می‌کند، و این همان سرزمین اسرائیل است که توسط پارسیان به آن اشاره شده» است. و این نامه نه تنها در مورد آنچه آنها به پادشاه می‌گویند، بلکه در مورد آنچه بنی اسرائیل در آیات ۱۱ و ۱۲ پاسخ دادند، صحبت می‌کند.

این پاسخ به ما بود. ما بندگان خدای آسمان و زمین هستیم و خانه‌ای را که سال‌ها پیش ساخته شده و پادشاه بزرگ اسرائیل آن را ساخته و تکمیل کرده بود، بازسازی می‌کنیم. اما از آنجا که پدران ما خدای آسمان را خشمگین کرده‌اند، او آنها را به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل کلدانی، تسلیم کرد که این خانه را ویران کرد و قوم را به بابل برد.

بنابراین، رهبران یهودیان باید اساساً به داریوش یک درس تاریخی کوتاه بدهند که چرا در این مخصه قرار دارند. اما او همچنین فرمان کوروش را که از آیه ۱۳ شروع می‌شود، به آنها یادآوری می‌کند. با این حال، در سال اول کوروش پادشاه بابل، کوروش پادشاه فرمانی صادر کرد که این خانه خدا باید بازسازی شود. و ظروف طلا و نقره خانه خدا که نبوکدنصر از معبد اورشلیم بیرون آورده و به معبد بابل آورده بود، کوروش پادشاه آنها را از معبد بابل بیرون آورد و به شخصی به نام شیشبصر که او را فرماندار کرده بود، تحویل داد و به او گفت: «این ظروف را بردار، برو و آنها را در معبد اورشلیم بگذار و بگذار خانه خدا بازسازی شود.» بنابراین، دوباره، باید دوباره متن را به خاطر بسپارید.

سال از زمانی که کوروش فرمان پادشاهی را صادر کرد می‌گذرد، اما اکنون دوباره پادشاه جدیدی به نام داریوش ۵۳۹ بر تخت سلطنت نشسته است. این مربوط به حدود سال ۵۲۰ پیش از میلاد است. این مربوط به بعد از آن زمان است و اکنون کوروش دیگر در قدرت نیست.

حالا داریوش را دارید. بنابراین، داریوش تمام این درس تاریخ را به یاد می‌آورد. و دوباره، نامه با این جمله به پایان می‌رسد: «بنابراین، اگر پادشاه صلاح بداند، اجازه دهد در بایگانی سلطنتی که در بابل وجود دارد، جستجو شود تا ببینیم آیا فرمانی از جانب کوروش پادشاه برای بازسازی این خانه خدا در اورشلیم صادر شده است یا خیر، و اجازه دهید پادشاه رضایت خود را در این مورد برای ما بفرستد.»

خیلی جالب است که می‌بینیم چطور پادشاه قبلی، پادشاهان قبلی، از تاریخ بی‌اطلاع بوده‌اند. بنابراین، باید به آنها یادآوری شود که دقیقاً ۲۰ سال قبل چه اتفاقی افتاده است. بنابراین، یک دوره ۱۶ ساله بین تلاش اولیه برای بازسازی در سال ۵۳۶ و از سرگیری کار داریوش در سال ۵۲۰ وجود داشته است.

شما آن بازه زمانی را به خاطر دارید. اما از آنجایی که تغییر رژیم رخ داده بود، از داریوش خواسته می‌شود اسناد تاریخی را بررسی کند و دوباره، ما شاهد دست خدا در کار هستیم. در فصل ۶، خدا دوباره قلب پادشاه را به حرکت در می‌آورد.

درست همانطور که خدا قلب کوروش را تکان داد، اکنون خدا در قلب داریوش حرکت می‌کند. و خواهیم دید که خانه خدا تکمیل خواهد شد، و او وقف خواهد شد، و مردم جشن خواهند گرفت. بنابراین ابتدا، می‌بینیم که خدا در قلب داریوش پادشاه حرکت می‌کند.

فصل ۶ با این جمله شروع می‌شود: «داریوش پادشاه فرمانی صادر کرد و در خانه بایگانی بابل تفتیش انجام شد.» و دوباره او سندی را پیدا کرد که در مورد کوروش پادشاه که فرمان را صادر کرده بود صحبت می‌کرد. بنابراین، در آیه

می‌گوید، نامه‌ای به تیتانیا می‌فرستد و می‌گوید بگذارید کار این خانه خدا به تنهایی انجام شود. بگذارید فرماندار ۷ یهودیان و بزرگان یهودیان خانه خدا را در جای خود بازسازی کنند.

علاوه بر این، من فرمانی صادر می‌کنم که شما برای این بزرگان یهود در بازسازی این خانه خدا چه باید بکنید. نه تنها به او اجازه می‌دهید که هزینه بازسازی را به طور کامل و بدون تأخیر از درآمد سلطنتی، خراج انبیا از ماوراءالنهر و هر آنچه لازم است، به این مردان پرداخت شود. گاو نر، قوچ یا گوسفند برای قربانی‌های سوختنی به خدای آسمان، گندم، نمک، شراب یا روغن به میزانی که کاهنان اورشلیم لازم می‌دانند.

بگذارید این روز به روز و بدون استثنا به آنها داده شود تا بتوانند قربانی‌های دلپذیری را به خدای آسمان تقدیم کنند و برای جان پادشاه و پسرانش دعا کنند. آیا این زیبا نیست؟ این همان چیزی است که دشمن می‌خواست علیه قوم خدا از آن استفاده کند. اکنون خدا در قلب پادشاه نفوذ می‌کند و نه تنها اجازه می‌دهد کار ادامه یابد، بلکه از خزانه برای انجام آن پول می‌دهد.

همچنین در آیه ۱۱ آمده است: «من فرمان می‌دهم که اگر کسی این فرمان را تغییر دهد، تیری از خانه‌اش کنده شده و بر آن کوبیده شود و خانه‌اش به تپه‌ای از کود تبدیل گردد. باشد که خدایی که نام خود را در آنجا ساکن کرده است، هر پادشاه یا قومی را که برای تغییر این یا ویران کردن این خانه خدا که در اورشلیم است، دست دراز کند، سرنگون سازد.» من جرأت می‌کنم فرمانی صادر کنید، بگذارید این کار با دقت تمام انجام شود.

این کار زیبایی خداست که از یک پادشاه بیگانه، یک پادشاه بت‌پرست، برای تحقق اهدافش استفاده می‌کند، نه فقط برای بازسازی، بلکه برای تأمین هزینه‌های بازسازی این بنا. باز هم، این کار منحصر به فردی نبود که پادشاهان ایرانی فقط برای یهودیان انجام می‌دادند. آنها این کار را با ملت‌های دیگر انجام می‌دادند، زیرا آنها بسیار بسیار بردبار بودند و به همین دلیل کار به پایان رسیده است.

منهای ۷۰ را به یاد بیاورید، ۵۱۷. بالاخره مرمت کامل شد. بازگشت کامل شد زیرا خانه خدا تکمیل شد ۵۸۷.

از آیه ۱۳ شروع می‌شود. «آنگاه، مطابق فرمانی که داریوش پادشاه فرستاده بود، تتنای، والی ماوراءالنهر، شتربوزنای و یاران‌شان، آنچه داریوش پادشاه فرمان داده بود را با نهایت دقت انجام دادند. و بزرگان یهود بنا کردند و به پیشگویی «حجی نبی و زکریا پسر عدو، کامیاب شدند».

ایشان بنای خود را به فرمان خدای اسرائیل و به فرمان کوروش و داریوش و اردشیر، پادشاه پارس، به پایان رساندند. و این خانه در روز سوم ماه آدار در ششمین سال سلطنت داریوش پادشاه به پایان رسید.

دوباره، وقتی به تقویم نگاه می‌کنید، حدود فوریه یا مارس، سال ۵۱۷ یا ۵۱۶ قبل از میلاد است. و حاکمیت و مشیت الهی به وضوح دیده می‌شود. وقتی خدا از یک پادشاه بت‌پرست، یک حکومت بت‌پرست برای رسیدن به اهدافش استفاده می‌کند.

در اینجا از اردشیر نام برده شده است. او خیلی بعدتر، در سال‌های ۴۶۵ و ۴۲۴ پیش از میلاد، دوباره ظاهر خواهد شد. اما کوروش، داریوش، اردشیر، هر دو توسط خدا برای تحقق اهدافش، برای بازسازی، بازگشت، بازسازی قربانگاه، بازسازی معبد، استفاده شدند.

خانه را بازسازی می‌کنند، باید آن را تقدیس کنند. و این همان چیزی است که در آیات ۱۶ تا ۱۸ داریم. و قوم اسرائیل، کاهنان و لاویان، و بقیه تبعیدیان بازگشته، تقدیس این خانه خدا را با شادی جشن گرفتند.

باز هم، مضمون شادی. «آنها در مراسم تقدیس این خانه خدا قربانی کردند.» به این فکر کنید که این مهمانی چقدر بزرگ بود.

صد گاو نر، دویست قوچ، چهارصد بره و به عنوان قربانی گناه برای تمامی اسرائیل، دوازده بز نر، به تعداد قبایل اسرائیل. «و کاهنان را در دسته‌های خود و لاویان را در دسته‌های خود قرار دادند تا در اورشلیم، همانطور که در کتاب موسی نوشته شده است، خدمت خدا را انجام دهند».

وای. یادتان هست، در عهد عتیق چیزی بسیار شبیه به این در مقیاس بسیار کوچک‌تر داریم، اما تقدیم معبد سلیمان است. تعداد زیادی از این قربانی‌ها داده شده است.

اما اکنون، در مقیاسی بسیار کوچک‌تر، وقف چیزی که اکنون دوره دوم معبد می‌نامیم. و باز هم، می‌بینید که همه اینها برای خدمت به خدا و با شادی انجام می‌شود. پس چه می‌کنید؟ وقتی به سرزمین خود باز می‌گردید، محراب را بازسازی می‌کنید و معبد را می‌سازید، شروع به برگزاری اعیاد می‌کنید.

چیزی که آنها لزوماً همیشه در دوره تبعید رعایت نمی‌کردند. بنابراین اکنون آنها عید فصح را نیز رعایت می‌کنند. و دوباره، شما دوباره شباهت آن را با کتاب خروج می‌بینید.

زیرا در کتاب خروج، باب ۱۲ آمده است که شما عید فصح را که خدا به بنی‌اسرائیل دستور داده بود، برگزار کردید، اما اکنون از آیه ۱۹، در روز چهاردهم ماه اول، تبعیدیان بازگشته عید فصح را برگزار کردند. زیرا کاهنان و لایوان با هم خود را تطهیر کرده بودند.

همه آنها پاک بودند. «پس، آنها بره فصح را برای همه تبعیدیان بازگشته، برای کاهنان همکارشان و برای خودشان ذبح کردند. این بره توسط قوم اسرائیل که از تبعید بازگشته بودند، و همچنین توسط هر کسی که به آنها پیوسته بود و خود را از ناپاکی مردمان سرزمین جدا کرده بود تا خداوند، خدای اسرائیل را پرستش کند، خورده شد. و آنها هفت روز عید نان فطیر را با شادی برگزار کردند، زیرا خداوند آنها را شاد کرده بود و قلب پادشاه آشور را به سوی آنها برگردانده بود، به طوری که او در کار خانه خدا، خدای اسرائیل، به آنها کمک کرد.» بسیار مناسب بود که او عید فصح را جشن می‌گیرد زیرا او این شباهت را با کتاب خروج به یاد داشت.

عید فصح جشن رهایی از بردگی مصر بود. و اکنون آنها دوباره این واقعیت را جشن می‌گیرند که به سرزمین موعود بازگشته‌اند. در دوران سلطنت، عید فصح بارها مورد غفلت قرار گرفت.

بدیهی است که ما به طور قطع نمی‌دانیم که در طول تبعید چند بار می‌توانستند آن را جشن بگیرند. اما اکنون می‌دانیم که آنها دوباره آن را جشن می‌گیرند. درست همانطور که خدا در خانه کوروش ساکن بود، خدا در خانه داریوش ساکن بود.

اکنون، مردم عید فصح را جشن می‌گیرند و به آنها وفاداری خدا به بودن با خودشان یادآوری می‌شود. آنها از تمام کارهایی که خدا انجام می‌دهد، شادمان هستند.

این دکتر تیبریوس راتا و تعلیم او در مورد عزرا و نحمیا است. این جلسه ۳، عزرا ۵-۶ است.